

## امپریالیست‌ها و جمهوری اسلامی!

تشدید تبلیغات قدرت‌های بزرگ جهان در رابطه با "خطر" پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی و تأکید مکرر رئیس‌جمهور آمریکا بر این امر که جلوگیری از مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی یکی از الویت‌های سیاست خارجی وی می‌باشد - با این منطق که این امر به تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه دامن می‌زند! - و اشارات مقامات مختلف نظامی و سیاسی آمریکا بر این نکته که جهت باز داشتن جمهوری اسلامی از مسلح شدن به سلاح اتمی همه "گزینه"‌ها در نظر گرفته خواهد شد، همه اینها مسئله احتمال حمله نظامی به ایران را باز هم به موضوع تحلیل‌های خبری تبدیل نموده و طبیعتاً بار دیگر ماهیت روابط جمهوری اسلامی با امپریالیست‌ها را به یکی از موضوعات برجسته روز تبدیل نموده است.

در این میان در حالی که برخی از تحلیل‌های واقع‌بینانه با تکیه بر تجربه روابط ۳۰ ساله جمهوری اسلامی با قدرت‌های بزرگ و از جمله آمریکا و با تکیه بر این واقعیت که جمهوری اسلامی مجری سیاست‌های امپریالیسم در ایران و منطقه می‌باشد، سعی دارند از وراى این تبلیغات ظاهری، به واقعیت موضوع پی ببرند، اما جریان‌ات و نیروهائی که عادت کرده اند کار خود را از آنجا شروع کنند که تبلیغات امپریالیستی تمام کرده است با بالا گرفتن این تبلیغات باز هم با قاطعیت نغمه حمله نظامی جهت "تغییر رژیم" که در زمان ریاست جمهوری بوش شدیداً تبلیغ می‌شد را سر داده اند.

واقعیت این است که در ۳۰ سال گذشته تبلیغات امپریالیستی هماهنگ با ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی کوشیده تا ضمن گمراه نمودن افکار عمومی، رژیم جنایتکار حاکم بر ایران را رژیمی ضد امپریالیست و ضد آمریکائی جلوه دهد و این واقعیت در تحلیل‌ها و تبلیغاتی که در رابطه با پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی و چگونگی واکنش قدرت‌های بزرگ به آن در جریان است با برجستگی خود را نشان می‌دهد.

رسانه‌های امپریالیستی بدون اینکه به این امر بپردازند که رژیمی در سطح و توان فنی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی چگونه قادر است بدون همکاری و یاری قدرت‌های بزرگ امپریالیستی، خود به پیشرفته‌ترین فن‌آوری اتمی دست یابد همواره می‌کوشند با تکیه بر ادعای واهی استقلال جمهوری اسلامی از امپریالیست‌ها و ضدیت اش با قدرت‌های بزرگ و یا حداکثر استفاده از "بازار سیاه" برای تهیه مواد و تولیدات استراتژیک نظامی، نقش خود در آنچه در ایران می‌گذرد (سیطره فقر و فلاکت وحشتناک و جنایات روزمره) را کتمان نمایند.

متأسفانه این تبلیغات فریبکارانه در ۳۰ سال گذشته بی نتیجه نبوده و ما شاهد تأثیرات چنین تبلیغاتی در افکار عمومی و حتی در جریان‌ات "چپ" هم بوده ایم. به همین دلیل هم هست که مساله رابطه امپریالیست‌ها با جمهوری اسلامی و ادعاهای مربوط به ضد امپریالیست بودن این رژیم به عنوان یکی از مهمترین مسایل در تحلیل ماهیت جمهوری اسلامی در ۳۰ سال اخیر، در میان نیروهای اپوزیسیون این رژیم، نقش کلیدی بازی کرده و به منشا انحرافات نظری و عملی متعددی در صفوف اکثریت نیروهای نامبرده تبدیل شده است. مثلاً در همین زمینه ما شاهد تحلیل‌های غیر واقعی ای هستیم که با قبول تبلیغات جاری مطرح می‌کنند که جمهوری اسلامی بر خلاف رژیم شاه "رژیم مطلوب" سرمایه‌های جهانی و امپریالیست‌ها نیست و آن‌ها خواهان تعویض آن با یک رژیم مطلوب و "متعارف" سرمایه داری هستند. اما به راستی، رژیم "دلخواه" و "مطلوب" امپریالیست‌ها از چه خصوصیات برخوردار است که گویا جمهوری اسلامی فاقد آن است؟! و چگونه رژیمی است؟! اگر پاسخ این باشد که آن رژیمی است که قادر به تأمین منافع دلخواه امپریالیست‌ها و سرمایه جهانی باشد، آن گاه می‌بینیم که چنین تحلیل‌هائی بدون در نظر گرفتن عملکرد روزمره و عینی این رژیم اسیر تبلیغاتی شده اند که اتفاقاً هدفشان لاپوشانی ماهیت جمهوری اسلامی و فعالیت روزانه اش در جهت پیشبرد اهداف قدرت‌های بزرگ سرمایه داری جهان می‌باشد،

چنین تحلیل‌هائی در نظر نمی‌گیرند که اگر بجای جمهوری اسلامی مثلاً رژیم شاه (که حداقل در میان نیروهای چپ‌ها کمتر شکی در مورد وابسته بودن آن به امپریالیست‌ها وجود دارد) به مثابه رژیمی "مطلوب" و

"متعارف" و ... بر سر کار بود، چه کار دیگری را برای خدمت به اربابانش انجام می داد که جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته در سطحی وسیعتر انجام نداده و یا ناتوان از انجامش بوده است؟

حتی نگاهی گذرا به عملکردهای جمهوری اسلامی نشان می دهد که این رژیم در جهت تأمین منافع امپریالیست ها از هیچ تلاشی فرو گذاری نکرده و در این راه دست به هر رذالت و جنایتی زده است. از سرکوب وحشیانه کارگران و خلق های ستمدیده ایران گرفته تا هموار کردن هر چه بیشتر مسیر هجوم لجام گسیخته تر سرمایه های غارتگر امپریالیستی به اقتصاد کشور، از بازسازی و توسعه نظام سرمایه داری وابسته گرفته تا تسهیل شرایط تأمین مافوق سودهای عظیم برای انحصارات مالی و تجاری امپریالیست ها، از مشارکت در یک جنگ ارتجاعی و ویرانگر ۸ ساله به نفع امپریالیست ها و صنایع نظامی و نفتی و اسلحه سازی های آنان در منطقه گرفته تا تقویت و تغذیه و تسلیح دار و دسته های سیا ساخته و ضد انقلابی زیر نام "بنیاد گرای اسلامی" در خاور میانه، از پیشبرد سیاستهای ضد خلقی بزرگترین قدرت های امپریالیستی در بازارهای نفت و گاز دنیا گرفته تا اجرای سیاست های خانه خراب کن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و ... آیا در ۳۰ سال گذشته هیچ عرصه ای وجود داشته که ما در آن جمهوری اسلامی را در حال خدمتگزاری به سرمایه داری انحصاری جهانی یعنی امپریالیسم نینیم؟ بنابراین، آیا با گذشت ۳۰ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها نشان داده نشده که این رژیم هم همچون رژیم شاه یک رژیم تا مغز استخوان وابسته به انحصارات و دول امپریالیستی می باشد که وظیفه ای جز تأمین منافع استثمارگرانه و ضد خلقی امپریالیست ها در ایران و منطقه نداشته و ندارد؟ مگر نظامی که جمهوری اسلامی از رژیم وابسته شاه به ارث برد، همان نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نبود؟ و مگر مطالعه ساختار اقتصادی حاکم بر جامعه ما بدون کمترین تردیدی نشان نمی دهد که رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز جز در جهت ترمیم و توسعه آن حرکت نکرد؟ آیا این نظام به ارث رسیده از زمان شاه، کماکان در جهت تأمین منافع اقتصادی و سیاسی بزرگترین قدرت های امپریالیستی سازنده آن حرکت نمی کند؟ بدون شک یک پاسخ واقع بینانه و متکی به حقایق واقعیت های فوق را تأیید می کند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته و از زمانی که در چارچوب توافقات دولت های امپریالیستی در کنفرانس "گوادالوپ" در ایران به قدرت رسید، تنها یک رژیم "مطلوب" برای امپریالیست ها نیست بلکه مطلوب ترین آنها است. این رژیم اتفاقاً با در نظر گرفتن شرایط بحرانی ای که سالهاست بر نظام سرمایه داری در سطح جهانی حکم فرماست و با تأکید باز هم بیشتر بر بحران دامن گیر این نظام، بهترین حافظ سرمایه های جهانی و صاحبان خونخوار آن بوده است.

معمولاً نیروهائی که چه به دلیل سطحی نگری و کوتاه بینی و چه به خاطر فرصت طلبی، با تبلیغات امپریالیستی همراه می شوند، پایگاه طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی و خدمتگزاری آن به امپریالیست ها را کتمان نموده و همه اعمال استثمارگرانه و جنایتکارانه این رژیم را با عقب ماندگی و مذهبی بودن آن توجیه می کنند. آن ها، مثلاً با تأکید بر نقش مذهب و اسلام در نظام حاکم و استفاده از آن برای آراستن روینای سیاسی این نظام، در سطح باقی مانده و دیگر خود را ملزم نمی بینند تا توضیح دهند که این روینای عقب مانده و مذهبی در خدمت تحکیم پایه های کدام اقتصاد قرار دارد و به منافع کدام دسته از استثمارگران خدمت می کند. واقعیت این است که مذهبی بودن رژیم حاکم در ایران یکی از اشکال حکومتی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم می باشد. اتفاقاً، یک نگاه سریع به ماهیت رژیم های سیاسی در کشورهای وابسته به امپریالیسم از وجود یک تنوع گسترده در شکل این رژیم های ضد خلقی و وابسته حکایت می کند که علیرغم تفاوت در شکل، از نظر ماهیت و عملکرد، همگی شان در وابستگی به امپریالیسم و پیشبرد منافع دول امپریالیستی مشترکند. از دولت های غیر مذهبی و سکولار مزدور و گوش به فرمان آمریکا در آمریکای لاتین گرفته تا مذهبی ترین و مرتجع ترین حکومتهای مزدور امپریالیسم در بغل گوشمان در عربستان سعودی و کویت و ... نمونه هایی هستند که به رغم تفاوت در شکل و روینا مدافع بی چون و چرای سیاست های امپریالیسم و رژیم ها بر علیه کارگران و خلق های تحت ستم می باشند. در نتیجه هنگام بررسی ماهیت وابسته محتوا و ماهیت آنها مورد توجه قرار گیرد تا طبیعت وابسته و یا مستقل آن ها را از امپریالیسم معلوم گردد.

اتفاقاً یک نگاه تاریخی در همین زمینه برای نیروهای واقع بین نشان می دهد که در چند دهه اخیر، گرایش سرمایه داری جهانی به استفاده از ارتجاعی ترین قوانین و لفافه های مذهبی برای تسهیل استثمار و سرکوب طبقه کارگر و توده های ستمدیده در کشورهای وابسته هر چه بیشتر فزونی یافته است. در واقع به موازات

انکشاف هر چه بیشتر سلطه امپریالیستی در سطح جهان، ما شاهد استفاده چشمگیر و فزاینده امپریالیست ها از نقش مذهب و بویژه اسلام در بطور مثال خاورمیانه برای توسعه سلطه امپریالیسم بوده ایم. چرا که مذهب به دلیل اینکه وسیله تسهیل استثمار توده هاست، ظرفیت های هر چه بیشتری را در اختیار امپریالیست ها و مزدورانشان برای تامین منافع استثمار گرانه آنها در کشورهای وابسته و تسهیل سرکوب و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی توده های محروم گذارده است.

با در نظر گرفتن این واقعیات حال می توان تاکید کرد که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی حاکم بر نظام امپریالیستی، هیچ رژیم دیگری به اندازه جمهوری اسلامی نمی توانست در راه استثمار و سرکوب کارگران و توده های محروم ما و تامین منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی آنها در ایران و در سطح منطقه به نحوی "مطلوب" به قدرتهای امپریالیستی و از جمله دولت آمریکا خدمت کند.

همگان می دانند که اصلی ترین مسئله قدرت های بزرگ تامین منافع و مصالح خود می باشد و در این زمینه با هیچ نیرو و رژیمی شوخی ندارند. در نتیجه با دیدی درست مبتنی بر تجربه کاملاً به وضوح می توان دید که اگر همین پروژه هسته ای جمهوری اسلامی دهها جور منفعت به آنها نمی رساند آنها هرگز اجازه نمی دادند که جمهوری اسلامی اساساً در این راستا گام بردارد. در پوشش این پروژه است که بزرگترین صنایع نظامی آمریکا و شرکا تحرک بیشتری یافته و بازارهای جدیدی کسب می کند و میلیارد ها دلار از خزانه کشور به جیب انحصارات امپریالیستی ریخته می شود و از آن مهمتر به بهانه اتمی شدن ایران همه دولت های منطقه تشویق به ایجاد نیروگاه اتمی و بیشتر مسلح شدن می شوند که خود متضمن میلیارد ها دلار سود برای قدرت های جهانی در شرایط بحران است. با در نظر گرفتن همه این حقایق و با بررسی آن ها از یک دیدگاه علمی و تاریخی ست که می توان به نقش واقعی و اهمیت وجود جمهوری اسلامی برای منافع امپریالیست ها در ایران و منطقه بیشتر پی برد و با افشای هر چه گسترده تر ماهیت این رژیم به مثابه مطلوب ترین رژیم در ۳ دهه گذشته برای امپریالیست ها در ایران و منطقه، تبلیغات امپریالیستی را نقش بر آب کرد و به امر پیشرفت مادی و معنوی جنبش کارگران و توده های ستمدیده برای سرنگونی این رژیم و مهمتر از آن نظامی که پاسداری از آن را بر عهده دارد کمک نمود.